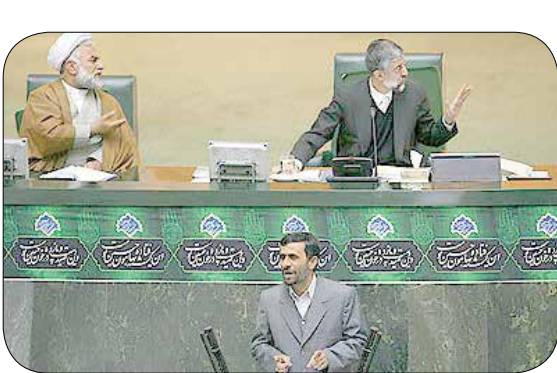


مجالس شور ای اسلامی به روایت تصویر



گروه سیاسی— مانیا شویبری: ایران

در بهمن ۱۳۵۷ با دکترین «نه شرقی، نه غربی» به یک بازیگر جدید در معادلات خاورمیانه و روابط بین‌الملل تبدیل شد. راهبردی که امام (ره) آن را در راستای استقلال هرچه بیشتر کشور اسلامی مطرح کرد و بر آن تاکید داشت. این روزها کارشناسان روابط بین‌الملل معتقدند در دشمنی با غرب افراط کرده ایم و بیش از آنچه که باید به سمعت شرق سر خورده‌ایم و برخی می‌گویند در مواجهه باغرب باید وارد شراکت با شرق شویم. «حشمت‌الله فلاحت پیشه» نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی و کارشناس مسائل بین‌الملل معتقد است بیشترین سود را از شعار نه شرقی نه غربی ما در زمان جنگ صدام برد که نتوانست ارتشش را مجهر به سلاح‌های روسی و غربی کند. در ادامه گفت و گو با وی به تاثیر افراطیون در سیاست خارجی ایران در ۴۶ سال گذشته، تاثیر میدان بر دیپلماسی و برنامه ایران برای ارتباط بهتر با منطقه پرداخته‌ایم.
مشروح گفت و گو حشمت الله فلاحت پیشه را با مردم سالاری در ادامه می‌خوانید:

تفاوت‌های خورد و کلان دیپلماسی جمهوری اسلامی و نظام پهلوی چیست؟

ایران در موقعیت زمانی خاصی انقلاب کرد که به هرحال حکم سیاست خارجی‌اش در قانون اساسی آمده است، حکم سیاست خارجی هم «نه شرقی، نه غربی» بود، ولی چون انقلاب در زمان نظام دو قطبی دنیا شکل گرفت، دو قطب شرق و غرب با هم درگیر بودن و پارگیی هم کرده بودند. انقلابیون ایران در آن زمان هم علیه شرق و هم علیه غرب عمل می‌کردند و شعار می‌دادند؛ این سیاست انقلاب بود.

در زمان پهلوی، شاه هرچند که ایران را جزئی از سیاست خارجی بلوک غرب قرار داده بود، ولی در عین حال با همسایه قدرتمند شمالی یعنی شوروری هم مناسباتی را ایجاد کرده بود، مناسباتی همچون خریدهای نظامی‌محدود و به ویژه سرمایه گذاری در صنایع سنگین؛ دلپش این بود که به هر حال روسیه رقیب اصلی بلوک غرب بود.

به طور کل در زمان دولت پهلوی سیاست خارجی ایران مبتنی بر سیاست‌های کلان جهانی در دنیای غرب به حساب می‌آمد و وقتی که در معرض تصمیم گیری قرار می‌گرفت تصمیماتش در قالب بلوک غرب تعریف می‌شد. بعد از انقلاب اما سیاست نه شرقی، نه غرب شکل گرفت، این سیاست به ویژه در دوران جنگ عملا تبدیل شد به سیاست دشمنی با شرق و غرب. بیشترین استفاده از سیاست نه شرقی و نه غربی ایران را صدام برد، طوری که صدام ارتش خودش را به سلا‌ح‌های روسی و غربی مجهز کرد. حتی در پایان جنگ، امریکا هم به گونه‌ای به سود صدام علیه ایران وارد جنگ شد.

من معتقدم هیچوقت سیاست نه شرقی نه غربی در سیاست خارجی در قانون اساسی ایران به به خوبی اجرا نشد و همین حالا هم ما میبینیم در عمل به نوعی این سیاست در گروه سیاسی – علی ودایع: رسانه‌های حامی‌سلطنت طرف یک دهه اخیر عملیات درهم‌تنیده‌ای برای تاثیرگذاری روی مخاطب ایرانی دنبال کرده اند : آنها ۸ تاکتیک ویژه را به موازات یکدیگر و در فواصل زمانی متنوع عملیاتی کرده‌اند. مساله بنیادین اینجاست که جنگ روایت‌ها در افکار عمومی در جریان است. ۱- تاریخ‌نگاری بازنگرانه

تاریخ‌نگاری بازنگرانه (Revisionist History) به فرایند بازنگری و تجدید نظر در تفسیرهای تاریخی اطلاق می‌شود، که هدفش معمولاً درک دوباره یا تغییر دیدگاه‌ها درباره رویدادهای گذشته است. این نوع تاریخ‌نگاری ممکن است به خاطر تغییر در منافع سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی، مورد توجه قرار می‌گیرد. رسانه‌های مانند با جمهوری اسلامی یا حامی‌رژین پهلوی تلاش می‌کنند تا با ارائه تصویری مثبت از دوران پهلوی، نظیر توسعه اقتصادی و زیرساخت‌ها، آن زمان را به عنوان دورانی نسبتاً روشن و مترقی به تصویر بکشند. در تاریخ‌نگاری بازنگرانه ارایسه یک زندگی متمول یا لاکچری در چارچوب ایران مترقی مورد توجه است. این فرآیند یک رویکرد با بازه زمانی طولانی در چارپوب تونل زمان است. در این فرآیند کلیدواژه‌هایی نظیر ابرپروژه‌های نظام سلطنتی به شدت مورد توجه است.

۲- تاکتیک برچسب‌زنی

در جنگ رسانه به معنای استفاده از عناوین یا برچسب‌های خاص برای تاثیرگذاری بر ادراک عمومی و ساختار narratives (روایت‌ها) است. رسانه‌های حامی پهلوی از این تاکتیک بهره می‌برند تا نظرات و ایده‌های خود را ترویج داده و مخالفان خود را به چالش بکشند.

ساده‌سازی مشکلات پیچیده یک تاکتیک ذیل استراتژی برچسب زنی است. با استفاده از برچسب‌زنی، رسانه‌ها می‌توانند مسائل پیچیده و چندبعدی را ساده‌سازی کنند. به عنوان مثال، به‌جای بررسی علل واقعی ناراضی‌های اجتماعی، رسانه‌ها می‌توانند فقط بر روی «تخریب‌گران اجتماعی» یا «عوامل خارجی» تاکید کنند.

تاکتیک برچسب‌زنی در جنگ رسانه‌ای به رسانه‌های حامی پهلوی اجازه می‌دهد تا

مردم سالاری

فلاحت پیشه در گفت‌وگو با «مردم سالاری»:

نباید اجازه داد ایران به کانون جراحی‌های جدید دنیا تبدیل شود



در سمت دیگر من حوزه هسته‌ای را حوزه بمب نمی‌دانم، فناوری هسته‌ای ایران، فناوری گسترده‌ای است از حوزه علمی و طراحی گرفته به **نگاه شرق به جمهوری اسلامی اشاره کردید: نگاه غرب در ۴۶ سال گذشته به جمهوری اسلامی چگونه می‌داندید؟**

همانطور که عرض کردم روسیه ایران را یک خاکریز می‌بیند، چین هم به دنبال سواستفاده

اقتصادی از شرط تحریم ایران است، بیشترین تخفیف‌های تاریخ را ایرانیان به چینی‌ها داده‌اند. ولی در سمت غرب هم معتقدم غرب هم در عدم شکل گیری دیپلماسی با ایران بی‌تقصیر نبوده است، بزرگترین تقصیر غرب به زمان دولت اول ترامپ برمی‌گردد، زمان که ایرانی‌ها یک موافقت نامه جامع در حوزه هسته‌ای با امریکا بستند، موافقتنامه‌ای که در خصوص

مهم‌ترین حوزه اختلاف با امریکا و اعضای اتحادیه اروپا بود؛ ترامپ این موافقت نامه را پاره کرد و به هرحال مسیر سیاست خارجی ایران با دنیا را به ویژه با دنیای غرب عوض کرد.

لذا من معتقدم که با همه این شرایط کشورهای غربی هیچ وقت همه واقعیات ایران را ندیدند و به هر حال این باعث شد که عملاً دیپلماسی در رابطه با ایران حاشیه نشین باشد.

قدرت موشکی و صنایع هسته‌ای ایران را چقدر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تاثیر گذار می‌دانید؟

من معتقدم که ایرانیا بسا توجه به غربت و مزولمیتی که در زمان جنگ تحملی دیدند چاره‌ای غیر از حرکت به سمت تقویت بنیه دفاعی نداشتند، به همین دلیل بخش اعظم بودجه کشور و توجه کشور به حوزه دفاعی معطوف شد و ایسن طبیعی بود، به هرحال

ایران دشمن‌های زیادی داشت، دیپلماسی عملاً در کاهش دشمنی ضعیف عمل کرده بود و سیاست کلی کشور به‌گونه‌ای بود که دشمنی زیادی شکل گرفته بود، طبیعتاً در شرایطی که دشمنان زیادی هستند و کشور باید به سمت دفاع برود من معتقدم برنامه‌های موشکی و نظامی‌ایران قابل دفاع است؛ چون اگر این برنامه‌ها نبود در موارد متعدد ایران دچار جنگ و یا حملات ایزایی می‌شد.

رسانه‌های حامی پهلوی چه استراتژی و راهبردی را دنبال می‌کنند؟

ریل گذاری رسانه‌ای برای بازگشت سلطنت

به شکل مطلوب رسانه‌های حامی پهلوی وادار به رویکرد میدانی کند.

۵- برجسته سازی

برجسته‌سازی یکی از استراتژی‌های کلیدی در عملیات روانی است که به منظور افزایش تاثیرگذاری پیام‌ها و اطلاعات به کار می‌رود.

تاکتیک برجسته‌سازی معمولاً با انتخاب موضوعات بسا رویدادهایی که می‌تواند به نفع یک پیام خاص یا ایده باشد، آغاز می‌شود. این موضوعات معمولاً به شدت می‌توانند احساسات مخاطبان را تحت تاثیر قرار دهند. تقویت پیام در این فرآیند دارای اهمیت است. پس از انتخاب موضوع، پیام‌ها به از تاباطی با آن دارند، به گونه‌ای تقویت می‌شوند که توجه بیشتری را جلب کنند.

تسهیل در یادآوری با توجه به تاریخ‌نگاری بازنگرانه مورد توجه است. با برجسته‌سازی یک موضوع یا ایده، تلاش می‌شود تا آن موضوع به آسانی در ذهن مخاطب حک شود، به گونه‌ای که در مواقع خاص (مانند مناظرات یا گفتگوها) به‌راحتی یادآوری شود. تاکتیک برجسته‌سازی همچنین به ایجاد واکنش‌های عاطفی قوی در مخاطب کمک می‌کند.

۶- استفاده از روایت‌های شخصی

یکی از ضعف‌های فاحش رسانه‌های جمهوری اسلامی، کلی گویی در ارائه روایت به مخاطب ایرانی است ؛ در حالی که مبتنی بر جزئیات ذهنیت و احساسات افراد نسبت به موضوعات تعیینی کرده یا شکل و فرم می‌گیرد. رسانه‌های حامی رژیم پهلوی ذیل تاریخ‌نگاری بازنگرانه، برچسب‌زنی، مقایسه‌گری برای صدور حکم بازگشت پهلوی، مین گذاری یا حتی برجسته‌سازی، تلاش می‌کنند یک رویکرد دوطرفه داشته باشند. در این فرآیند خرده روایت‌های شخصی، مستندات فردی بسا رویکرد در هم تنیدگی راست و دروغ در دستور کار قرار دارد.

روایت‌های شخصی به‌خوبی می‌توانند احساسات مخاطبان را تحت تاثیر قرار دهند. وقتی افراد داستان‌های واقعی یا احساسات عمیق خود را به اشتراک می‌گذارند، باعث می‌شود که دیگران با آن‌ها همدردی کنند و ارتباط عاطفی قوی‌تری برقرار کنند.روایت‌ها به‌طور طبیعی جذاب‌تر از اطلاعات خام و تجزیه و تحلیل‌های خشک هستند. افراد

یکشنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۳ - ۱۰ شعبان ۱۴۴۶ - ۹ فوریه ۲۰۲۵ - سل بیست و چهارم - شماره ۶۴۷۳

ویرانگر اجازه داد در سیاست خارجی مداخله کنند.

حملاتی که به سفارت عربستان و سفارت انگلستان صورت گرفت، خیلی از سخنرانی‌های ویرانگری که همین اخیرا هم ما دیدیم صورت گرفت، اینها ویرانی در سیاست خارجی ایجاد می‌کرد، منافع ملی و مناسبات چند جانبه را تضعیف می‌کرد؛ ولسی هیچ وقت با این عوامل مخل برخورد نشد و حتی بعضی از کسانی که به سفار، تخانه‌ها حمله می‌کردند صاحب پست و منصب هم می‌شدند.

این باعث شد که خیلی از کشورها به یک سازو کار به اصطلاح قابل اتکا در مناسبات چند جانبه با ایران نرسند.

ایران در رستای بهبود جایگاه منطقه‌ای و جهانی باید چه رویکردی داشته باشد؟

عرض کردم مناسفانه خیلیی از فرصت‌ها سیاست خارجی ایران از دست رفت، افراطیون در سیاست خارجی فقط حرف زدند و هزینه‌های زیادی را هم به کشور وارد کردند و هنوز هم در حال حرف زدن هستند بدون اینکه هزینه‌های گذشته را جبران کرده باشند. دیگر واقعا حسنی از مصاحبه کردن هم بهره‌ز کنیم، به عنوان مثال در طول حداقل یک دهه اخیر بارها در رویدادهای تاریخی تحلیل‌های را در مورد مناسبات ایران با سوریه، مناسبات با روسیه در موضوع FATF و موضوع تنش زدایی ایران و ایفای نقش بازیگری مثل اسرائیل که یک برنامه مسالمت آمیز را تهدید نشان داد، باعث شد که چنین شرایطی شکل بگیرد.

سباسبی شدن نگاه غربی‌ها به برنامه هسته‌ای ایران و ایفای نقش بازیگری مثل اسرائیل که یک برنامه مسالمت آمیز را تهدید نشان داد، باعث شد که چنین شرایطی شکل بگیرد.

در مورد مناسبات ایران با سوریه، مناسبات با روسیه در موضوع FATF و موضوع تنش زدایی ایران و ایفای نقش بازیگری مثل اسرائیل که یک برنامه هسته‌ای ایران و ایفای نقش بازیگری مثل اسرائیل که یک برنامه مسالمت آمیز را تهدید نشان داد، باعث شد که چنین شرایطی شکل بگیرد. **سباسبی شدن نگاه غربی‌ها به برنامه هسته‌ای ایران و ایفای نقش بازیگری مثل اسرائیل که یک برنامه مسالمت آمیز را تهدید نشان داد، باعث شد که چنین شرایطی شکل بگیرد.**

چندجانبه گرایي هم که بخشی از این

راهبرد است هیچوقت عملیاتی نشد، و ما برنامه‌ای که عملاً نوع یک جانبه‌گرایی ویرانگری در سیاست خارجی کشور به سمت شرق شرق وجود دارد، کما اینکه بعد از سقوط بلوک شرق عملاً ایران از کشورهایی بود که در همه

راهبردها و در همه کنوانسیون‌های بین‌المللی و کنفرانس‌های بین‌المللی موضوع چند جانبه‌گرایی را مطرح می‌کرد ولی خود ایران از چند

جانبه‌گرایی استفاده نکرد.

عناصر اخلاکر در سیاست خارجی ایران

ایران نباید به عنوان مثال قربانی صلح در اوکراین شود و یا محل تباتی طرفه‌های تجاری بین چین و امریکا قرار بگیرد. حالا در همکین شرایطی به نظر من حتی به رقم ادعای زیادی که ترامپ ایجاد می‌کند انرژی امریکا هم تحلیل خواهد رفت.

ایران نباید به عنوان مثال قربانی صلح در اوکراین شود و یا محل تباتی طرفه‌های تجاری بین چین و امریکا قرار بگیرد. حالا در همکین شرایطی به نظر من حتی به رقم ادعای زیادی که ترامپ ایجاد می‌کند انرژی امریکا هم تحلیل خواهد رفت.

تا زمان تحلیل رفتن انرژی امریکا ایران تنها کاری که باید بکند این است که کشور را تبدیل به سیبل نکند.



مستولان در داخل هم بجای لجبازی به مردم براساس آنچه که مردم می‌خواهند عمل کنند، به ویژه در زمینه‌های اقتصادی؛

کانون‌های ثروتی که شکل گرفته‌اند منابع آنها میان مردم توزیع شده نه اینکه کانون‌های رانت جدید شکل بگیرند و مردم از حداقل‌های حقوق مزایای خودشان و وظایف دولت در قبال خوشن محروم شوند.

معمولاً داستان‌ها را به خاطر می‌سپارند و بازتابی می‌دهند. این قابلیت یادآوری می‌تواند

به تسهیل در فهم و پذیرش پیام‌های خاص کمک کند.داستان‌ها می‌توانند مفهوم‌های پیچیده را به سادگی منتقل کنند.

۷- روایسازی

روایاتی یا رویا سازی فرآیندی است که از بازآیابی تجاری به جنگ رسانه و عملیات روانی گسترش و تعمیم یافته است. این استراتژی به دنبال ایجاد تصورات یا تصورات ایده‌آل‌گرایانه، خوش‌بینانه یا خیال‌پردازانه در ذهن مخاطبان است.

این تکنیک می‌تواند در ایجاد انگیزه، امید، و بسا یک دیدگاه خاص بر سر روی یک موضوع یا وضعیت به کار گرفته شود.در نقطه مقابل نا امیدي، روایاتی و خلق امید در نقطه ای مبهم قرار دارد.

رسانه‌های حامی پهلوی تلاش می‌کنند یک تصویر مثبت از آینده ترسیم کنند. این تصویر ممکن است شامل پیشرفت‌ها، موفقیت‌ها و تغییرات مثبت در زندگی افراد یا جامعه باشد. این تکنیک معمولاً با هدف القای امید و انگیزه بس مخاطبان صورت می‌گیرد. با ارائه تصورات مثبت از آینده، می‌توان افراد را تشویق کرد تا در راستای ایجاد تغییر و بهبود شرایط فعلی تلاش کنند.

۸- ماریپچ سکوت

رسانه‌های حامی پهلوی، فراتر از همه اقدامات و تاکتیک‌هایی که برای تاثیرگذاری

در ذهنیت مخاطب برای همراهی با خود دنبال می‌کنند؛ رویکرد ارعاب مخالفان یا حتی منتقدان را به شکلی ناملموس در دستور کار دارند.در این فرآیند همه طیف‌های مخالف از حامیان جمهوری اسلامی تا احزاب چپ مورد

تهاجم قرار می‌گیرند. تسویه حساب‌های قدیمی‌یک اتفاق ویژه در رویکرد رسانه‌های حامی پهلوی ملموس است. توهین به مزار

نشوند.